

عیسیٰ تاک حقيقی است

^۱ من تاک حقيقی هستم و پدر من باغبان است. ^۲ هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را دور می‌سازد و هر چه میوه آرد آن را پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد.^۳ الحال شما بهسب کلامی که به شما گفته‌ام پاک هستید. در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید.^۵ من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد.^۶ اگر کسی در من نماند، مثل شاخه بیرون از داخلته می‌شود و میخشد و آنها را جمع کرده، در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود.^۷ اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد.^۸ جلال پدر من آشکارا می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید.

^۹ همچنان که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانید.^{۱۰} اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم.^{۱۱} این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد.

^{۱۲} این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید، همچنان که شما را محبت نمودم.^{۱۳} کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد.^{۱۴} شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم بجا آرید.^{۱۵} دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آنچه آفایش می‌کند نمی‌داند؛ لکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا که هرچه از پدر شنیده‌ام به شما بیان

^{۱۶} کردم. شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرّر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند.

^{۱۷} به این چیزها شما را حکم می‌کنم تا یکدیگر را محبت نمایید.

نفرت جهان در برابر عیسیٰ

^{۱۸} اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که بیشتر از شما مرا دشمن داشته است.^{۱۹} اگر از جهان می‌بودید، جهان خاصّان خود را دوست می‌داشت. لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان برگزیده‌ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می‌کند.^{۲۰} به خاطر آرید کلام را که به شما گفتم: غلام بزرگتر از آقای خود نیست. اگر مرا رحمت دادند، شما را نیز رحمت خواهند داد؛ اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت.^{۲۱} لکن بجهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهند کرد زیرا که فرستنده مرا نمی‌شناشد.^{۲۲} اگر نیامده بودم و به ایشان تکلم نکرده، گناه نمی‌داشتند؛ و امّا آن عذری برای گناه خود ندارند.^{۲۳} هر که مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد.^{۲۴} و اگر در میان ایشان کارهایی نکرده بودم که غیر از من کسی هرگز نکرده بود، گناه نمی‌داشتند. ولیکن اکنون دیدند و دشمن داشتند مرا و پدر مرا نیز.^{۲۵} بلکه تا تمام شود کلامی که در شریعت ایشان مکتوب است که: مرا بی‌سبب دشمن داشتند.

^{۲۶} لیکن چون تسلی‌دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد. ^{۲۷} و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید.